

## قدرت نرم توان حکومت بر قلبها و ذهنها است

هوالحکیم

خبرگزاری فارس:

رئیس مرکز بررسی های دکترینال گفت: در قدرت نرم به جای تسخیر سرزمین و بازارهای اقتصادی مستقیماً بر ذهن و قلب جوامع حکومت می کنند.

به گزارش خبرنگار باشگاه خبری فارس «توانا»، حسن عباسی در همایش درآمدی بر دکترین منازعه نرم در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با اشاره به این که آنچه را که منشاء کرامت می نامند، گزاره «تقوا» است، اظهار داشت: نزد خداوند کسی کرامت بیشتری دارد که تقوای بیشتری داشته باشد. تکریم یا تحقیر از سوی خداوند، بستگی جدی به «ضرب تقوا» دارد و کسی که عالم را محضر خدا می داند، آنچه را که او نمی پسندند، انجام نمی دهد.

وی ادامه داد: علم استراتژی، علم بقای جامعه و تمدن است عباسی در این نشست، دو نکته را به بررسی گذاشت: قدرت نرم و منازعه نامتقارن.

رئیس مرکز بررسی های دکترینال افزود: انسان در هر کجا که باشد، در حال تولید قدرت است، و مساله تولید قدرت، همزاد بشر است. لذا قدرت یکی از موضوعات اصلی بشر است.

عباسی بیان کرد: قدرت در دانش استراتژی یعنی توانایی تحمیل اراده خود بر طبیعت، تحمیل اراده خود بر خود و تحمیل اراده خود بر دیگران. هر کسی که این سه بخش را در زندگی خود دنبال می کند، در واقع در جستجوی قدرت است. قدرت مانند امنیت و حیات جزء لاینفک وجود انسان و جامعه است اما آنچه مهم است روش استفاده از تحمیل اراده بر طبیعت، خود و دیگران

وی گفت: تحمیل اراده بر طبیعت موجب تسخیر طبیعت گشته، تحمیل اراده بر خود، کنترل و مهار خود را ایجاد کرده و تحمیل اراده بر دیگری چیزی است که اقتصاد، سیاست، فرهنگ و نظامی‌گری آن را دنبال می‌کنند.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال خاطرنشان کرد: دانشی که حد و اندازه و سازوکار این تحمیل اراده بر طبیعت، خود و یا دیگران را تبیین می‌کند، جزئی از دانش استراتژی است و در علوم استراتژیک مسأله تولید قدرت نامیده می‌شود.

عباسی با اشاره به این که تقسیم قدرت به صورت سخت، نیمه سخت و نرم معلول «صلابت قدرت» است، اظهار داشت: در قدرت سخت برای تحمیل اراده خود صلابت بیشتری ضرورت دارد، اما در قدرت نرم، به صلابت کمتری برای تحمیل اراده نیاز است و بدون این که انسان متوجه شود به تسخیر یک فکر یا یک فرهنگ درمی‌آید.

وی در ادامه گفت: قدرت سخت، نظامی‌گری را برمی‌تابد و آماج آن تصرف سرزمین و سیادت بر دریا و هوا است و روش آن قهری و به شیوه خشونت‌آمیز است، در قدرت نیمه‌سخت آن چه اقتصاد و سیاست نامیده می‌شود آماجش تصرف دولت یا تصرف بازار است و روشی که در آن استفاده می‌شود روش تشویقی و تنبیهی است. اما در قدرت نرم آنچه که آماج محسوب می‌شود تصرف قلب‌ها و سیادت بر ذهن‌ها است و روش آن ارضایی و اغنایی است.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال بیان کرد: در قدرت نرم که قدرت فرهنگی، علمی و روانی هر جامعه می‌باشد قدرت اقناع و ارضاء مطرح است، و تحمیل اراده خود بر دیگران از طریق شک و یقین و حب و بغض انجام می‌شود.

عباسی افزود: اگر در جنگ سخت نیاز به «مدیریت دفاعی» مطرح است یا در جنگ نیمه‌سخت «مدیریت بازار»، در جنگ نرم نیز «مدیریت شک و یقین، و مدیریت حب و بغض» مطرح می‌شود.

وی با اشاره به عناصری که این 4 دسته را مدیریت می‌کنند، خاطرنشان کرد: عناصری که حب و بغض را رقم می‌زنند هنرمندان یا ورزشکاران هستند و اثری که آن‌ها خلق می‌کنند یا موفقیتی که کسب ارضاء هواداران را در پی دارد. در واقع می‌توان نتیجه گرفت، مدیریت حب و بغض مدیریتی بعضاً هنری است. اما عناصری که شک و یقین را ایجاد می‌کنند، اصحاب علم و اصحاب رسانه هستند.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال گفت: حب و بغض در فروع دین اسلام به تبری و تولی منتج می‌شود، به این معنا که برآیند از چیزی یا کسی به تبری منتج می‌شود و خوشایند از کسی یا چیزی به تولی می‌انجامد.

عباسی ادامه داد: در حوزه شک و یقین دو عامل حق و باطل وجود دارد، انسان به طور فطری به دنبال حق و حقیقت است. قدرت تفکیک حق از باطل، فرقان نامیده شده است و قدرت فرقان نیز در اثر تقوا به دست می‌آید.

وی بیان کرد: فردی که با حب و بغض، مناسبات تولی و تبری خویش را مدیریت می‌کند، و با تشخیص حق از باطل، سامان می‌دهد، می‌تواند اراده بر حقی را بر دیگران تحمیل کند و آن را به سطح جامعه تعمیم بدهد.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال اظهار داشت: کشوری مانند آمریکا، قدرت و توان تحمیل اراده خود بر دیگران را دارد، زیرا سالیانه به طور متوسط 900 فیلم در هالیوود می‌سازد و انگاره‌های خود را به تمام دنیا منتقل می‌کند. البته قدرت نرم آمریکا صورت‌های دیگری نیز دارد.

عباسی افزود: مثلاً در امپریالیسم زبانی، همه دنیا محکوم و مجبورند که به زبان انگلیسی در ISI مقاله منتشر کنند و این خود تحمیل اراده بر دیگر جوامع است که در قدرت سخت پدید آمد و اکنون در قدرت نرم میوه آن چیده می‌شود.

وی ادامه داد: کمتر از 5 درصد از مقالات دانشمندان ایرانی که در ISI منتشر می‌گردد، به زبان فارسی ترجمه می‌شود، اما فردی که در انگلیس، آمریکا، کانادا و دیگر کشورهای انگلوساکسون زندگی می‌کند به راحتی می‌تواند از نتایج تحقیقات دانشمندان جهان که به انگلیسی می‌نویسند، استفاده کند. و لذا کشورهایی که از طریق علم قدرت نرم را اعمال می‌کنند در تولید علم از ما جلوتر نیستند، بلکه دیگران مانند کارگران فکری هستند که برای آن‌ها علم تولید می‌کنند.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال خاطر نشان کرد: تفوق رسان‌هایی، علمی و هنری امروز که به تبع تفوق‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ایجاد شده است، در واقع قدرت نرم تولید کرده و «حب و بغض» و «شک و یقین» را مدیریت می‌کند و تبری و تولی مورد نظر صاحبان آن‌ها را رقم می‌زند. آنجایی که حب می‌ورزد «تولی» و آنجایی که بغض می‌ورزد «تبری» می‌جوید البته همه حب‌ها و بغض‌ها ستایش شده نیستند.

عباسی با اشاره به این که مطلق انسان‌ها صاحب ولی هستند اظهار داشت: در سوره بقره نوع ولایت به دو دسته تقسیم شده است، ولایت «الله» که مخصوص مؤمنین است و این ولایت آن‌ها را از ظلمت به سوی نور خارج می‌کند و ولایت «طاغوت» که مختص کفار است، همان کسانی که از نور به ظلمات اخراج می‌شوند.

وی با اشاره به لفظ اولیا در آیت‌الکرسی افزود: طاغوت، متعدد و متکثر است و یک نفر، و یا یک چیز را شامل نمی‌شود، یک بار انسان یک نظریه و فکر را می‌پرستد، یک بار یک نفر بر انسان حکومت می‌کند و گاهی اوقات نفس خود فرد بر او حکومت می‌کند و همه این‌ها می‌تواند طاغوت باشد و این متکثر بودن طاغوت به عنوان اولیاء کفار زمینه مباحث پلورالیسم دینی است.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال بیان کرد: در قدرت نرم تصرف سرزمین‌ها و بازارها مطرح نیست، تصرف قلب‌ها و ذهن‌ها مطرح است و این به معنای منفعل بودن انسان صاحب ذهن و قلب نیست. یک واحد انسانی، موجودی منفعل نیست که «ولایت‌الله» یا «ولایت طاغوت» آن را تسخیر کند، بلکه مختار است که مؤمن یا کافر شود، و به اختیار، مسیر خود را انتخاب کند.

عباسی اظهار داشت: انتخاب هر یک از این ولایت‌ها سه نوع جنگ را ایجاد می‌کند.

نزاعی که بین خدا و طاغوت به وجود می‌آید.

نزاع بین طاغوت و انسان بر سر آن قلب و ذهنی که قرار است به تسخیر درآید.

منازعه‌هایی که بین انسان و خدا وجود دارد که قلب و ذهن خود را به خدا بسپارد یا نه.

وی در خصوص پذیرفتن ولایت‌الله، خاطرنشان کرد: دکارت 400 سال پیش بیان کرده که من در همه چیز شک می‌کنم، فقط در یک چیز نمی‌توانم شک کنم و آن هم این است که شک می‌کنم. لذا گفت من با اندیشه خود شک می‌کنم، پس هستم، چون می‌اندیشم. این استدلال «کوجیتو» ی دکارت، مبنای سوپژکتیویسم مدرن شد، و سوپژکتیویسم، پایه «نئوپاگانیسم» یا «کفرکیشی» نوین گردید. مبتنی بر سوپژکتیویسم، آنچه مبنای قرار می‌گیرد، ولایت ذهنی خویش است، لذا پاگانیسم موضوعیت پیدا می‌کند.

عباسی گفت: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در کنار دانشگاه علوم پزشکی تهران دو دانشگاه اصلی علوم پزشکی کشور هستند، که عمده استادان و دانشجویان آن افراد متدین و سالمی هستند، اما وقتی جلوی ساختمان پزشکان قرار می‌گیرید و تابلوها را نگاه می‌کنید، قطعات بدن را تکه تکه کرده‌اند، و متخصصان قلب، مغز، مو، پوست، گوش و حلق و بینی و ... نام خود را بر روی هر یک از تابلوها نوشته‌اند اما اثری از نام متخصص فطرت و نفس انسان در آن تابلوها دیده نمی‌شود.

وی خاطرنشان کرد: قرار نیست استانداردهای سازمان بهداشت جهان «WHO» انسان طراز قرآن را با آن چه که حضرت ابراهیم تحت عنوان قلب سلیم فرمود سامان دهد. فرق شما با آن فرد ملحد و مشرک که جسد را درمان می‌کند و مبنای کارش بیوشیمی است در چیست و این چه راهی است که فطرت در آن دیده نمی‌شود؟

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال بیان کرد: حکیم یا طبیعی که در گذشته وجود داشت، روح و جسم را توأمان درمان می‌کرد.

عباسی، اظهار داشت: در دنیای امروز مبنای پدیده‌ها و شکل‌گیری همه چیز ماده است، آیا در وزارت بهداشت و در دانشگاه علوم پزشکی الف، ب، ج و غیره چیزی غیر از آن وجود دارد؟ ما هم انسان را از بعد مادی آن در نظر گرفته‌ایم و به تمام ابعاد انسان به چشم مادی نگاه می‌کنیم. آیا این چیزی غیر از ماتریالیسم است؟

وی افزود: پس قدرت نرم یعنی WHO که توانسته است نظریاتش را بر قلب و ذهن من و شما حاکم کند و ما را به تسخیر خود دریاورد.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال بیان کرد: در استعمار کلاسیک سرزمین‌ها را به تسخیر درمی‌آوردند و دولت بلاواسطه تشکیل

می‌دادند. در استعمار نو، به جای این که خود مستقیماً دولت تشکیل دهند، حکومتی به نیابت از خود، تشکیل می‌دادند و به اصطلاح با قدرت نیمه‌سخت و از طریق تسخیر دولت و بازارهای اقتصادی اهدافشان را عملی می‌کردند، مانند دولت پهلوی. اما در استعمار فرانو، سرزمین و بازار و دولت تسخیر نمی‌کنند، بلکه به‌طور مستقیم بر قلب و ذهن انسان‌ها حکومت می‌شود.

وی با اشاره به فیلم سربازان خدا که سال گذشته در شبکه سی‌ان‌ان پخش شد، اظهار داشت: این فیلم در سه قسمت ساخته شده بود که قسمت نخست مربوط به گروهی از یهودیان افراطی هبرون است.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال ادامه داد: قسمت دوم مربوط به خانمی مسیحی است که به علت تعلیم و تربیت بر مبنای داروینیسیم در مدارس آمریکا به فرزندان خود اجازه رفتن به مدرسه نمی‌دهد، و آن‌ها را در خانه آموزش می‌دهد. و در قسمت سوم مربوط به خانم عرب تباری است که در آمریکا زندگی می‌کند و به خاطر داشتن حجاب، سرباز خدا معرفی می‌شود.

عباسی، خاطرنشان کرد: آن خانم مسیحی فرزندان خود را به خاطر تفکر داروینستی از رفتن به مدرسه منع می‌کند و خودش فرزندان را در منزل آموزش می‌دهد و از این رو «سرباز خدا» نامیده می‌شود. اما در ایران بهترین بچه‌های ما بعد از پایان دوره راهنمایی در رشته‌ای به نام علوم تجربی تحصیل می‌کنند و سپس با محصلان علوم تجربی، تشکیلات عظیمی به نام وزارت بهداشت و درمان به‌وجود می‌آید. و آن‌گاه پرسش می‌شود که چرا انگاره‌های ما دینی نیست.

وی افزود: اگر دانشجویان ما دارای فرهنگ و تربیت دینی هستند ربطی به دانشگاه و مدرسه ندارد، بلکه به خاطر لقمه حلال و شیر پاک‌ی است که در دوران طفولیت خورده‌اند.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال اظهار داشت: پس ولایت طاغوت شیطانی که عجیب و غریب باشد، نیست. بلکه می‌تواند ولایت یک ثوری، ولایت یک فرد یا هزاران پدیده دیگر باشد و انسان بدون این که بداند، بسیاری از مسائلی را قبول دارد، که از بنیان زیر سؤال هستند، مانند داروینیسیم.

عباسی گفت: البته نباید ناامید بود، زیرا برخی از دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی در حال بررسی سلامت تن با انگاره‌های سلامت نفس و روح و جسم توأمان هستند، و استادان دلسوزی، به دنبال حل این قضایا هستند.

وی بیان کرد: دومین انگاره‌هایی که از صدها گزاره در علوم استراتژیک می‌توان از آن بحث کرد انگاره «کنش نامتقارن» است. در دکتترین اقدام نامتقارن. با یک زمین بازی تعریف می‌شود و روش‌های اقدام با تقارن مثبت و یا تقارن منفی ساماندهی می‌شوند.

رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال گفت: در این انگاره، ابتدا باید زمین را خود تعریف نمود، و آن‌گاه مرز خود را با دشمن معین کرد. سپس نوبت طراحی قواعد بازی است، که باید مشخص شود انسان با قواعد چه کسی در زمین خود و یا در زمین حریف بازی می‌کند.

عباسی ادامه داد: افراد و جوامعی موفق‌اند که موقعیت خود را مشخص می‌کنند، نخست اینکه در زمین خود با قواعد خود بازی کنند، که به آن «اقدام متقارن مثبت» گفته می‌شود، دوم این که در زمین دشمن نیز با قواعد خود بازی کنند که «اقدام نامتقارن مثبت» خوانده می‌شود.

وی بیان کرد: اگر کسی در زمین دشمن با قواعد دشمن بازی کرد یعنی «اقدام متقارن منفی» و در زمین خود نیز با قواعد دشمن بازی کرد، یعنی «اقدام نامتقارن منفی» که در این صورت فاجعه‌ای بزرگ رخ داده است و مصداق خطبه 27 نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین می‌شود که می‌فرماید: «ذلیل و خوار نشد مگر کسی که در خانه خود با دشمن مبارزه کرد.»